**اقامتگاه حضرت فاطمه معصومه (سلام الله علیها(**

سراى «موسى بن خزرج » كه حضرت معصومه (س) چند صباحى در آنجا به سر برد، به مدرسه «ستيه » معروف است.  
اين سرا در محله «ميدان مير» وسط شهر قم در يكى از محله هاى قديمى بود و عبادتگاه آن حضرت به نام «بيت النور» در وسط آن، قرار داشت.  
موسى بن خزرج پس از رحلت آن بانوى گرانقدر، محراب ايشان را به همان حال باقى گذارد، و ديگر نقاط خانه خويش را نيز به احترام ايشان، مسجد كرد.  
اصل محراب فاطمه معصومه (س) كه در نزد عوام به «تنور» مشهور است، تاكنون پابرجاست و مردم از قديم الايام تاكنون براى تيمن و تبرك و خواندن زيارت و دعا بدان جا مى روند.  
محراب مزبور كه غرفه كوچكى بيش نبوده، تجديد بنا شده و به صورتى زيبا در آمده است.  
و در كنار آن، مدرسه اى براى طلاب علوم دينى ساخته شده كه به «مدرسه ستيه » معروف است.  
نيز در ضلع غربى و و جنوبى آن، مسجدى بنا گرديده است.  
سراى موسى بن خزرج در آن روزگار به هنگام ورود حضرت معصومه (س) در منتهى اليه جنوب غربى شهر قم قرار داشت.  
زيرا بر اساس آثارى كه موجود است، شهر قم در آن عصر در شمال شرقى شهر فعلى قرار داشت و به تدريج به سمت غرب و جنوب كشيده شد.  
البته در حال حاضر محل نامبرده در اواسط قسمت قديمى شهر به سمت جنوب است.  
ناحيه اى كه آستانه مقدسه با مدارس و مساجد تابع آن در آنجا قرار دارد، پيش از رحلت حضرت معصومه (س)، احتمالا باغ آباد و مصفايى از املاك موسى بن خزرج بود.  
چون در آن دوران، متداول و معمول بود كه رؤسا و بزرگان عرب علاوه بر خانه هاى مجللى كه داخل شهر داشتند، هر يك به تناسب موقعيت و مقام خويش در باغهاى اختصاصى خود در سواحل رودخانه، كاخ و قصرى مشرف بر آب براى تفريح در ايام بهار و تابستان بنا مى نمودند.  
با توجه به وضعيت محل مذكور و موقعيت متناسب «بابلان » همان محلى كه امروزه پيكر مقدس حضرت معصومه (س) قرار دارد، و با توجه به شخصيت موسى بن خزرج، حدس زده مى شود كه كاخ ييلاقى موسى در همان ناحيه قرار داشت.  
به طورى كه از قراين برمى آيد، باغ و كاخ مزبور را موسى فوق العاده دوست مى داشت.  
و به همين جهت آن را نثار مقدم حضرت معصومه نمود و محل دفنش را در آنجا نهاد.  
ظاهرا موسى بن خزرج با مشاهده وضع مزاجى نامناسب و وخامت حال حضرت معصومه (س) ايشان را به باغ ييلاقى خويش دعوت نمود تا از آن رهگذر از ازدحام مردم در امان بماند.  
علت برگزيدن شهر قم بر اساس سخن مشهور: پس از اينكه فاطمه معصومه (س) به شهر ساوه رسيد، بيمار شد.  
و چون در خود توان رفتن به خراسان را نديد، و يقين پيدا كرد كه ديگر هرگز برادرش امام رضا (ع) را نخواهد ديد، تصميم گرفت به قم كه از پيش مى دانست در آنجا به لقاى حق خواهد شتافت، برود. يكى از نويسندگان درباره علت رفتن حضرت معصومه (س) به شهر قم می‌گويد: «اين مجلله در اوائل سال 201 هجرى به مقصد «مرو» از مدينه طيبه بيرون آمده، بين راه در ساوه كه شهرى معظم و مردمش «شافعى مذهب» و بسيار هم متعصب بودند،  
به شدت مريضه و ناتوان گشته، بواسطه فقدان اصحاب وفاق و وجدان ارباب نفاق و به علت نبودن طبيب معالج و نداشتن پرستار دلسوز و مكان مناسبى براى آسايش خود، مجبور مى شود كه از راه مقصد، اندكى منحرف گشته، خود را به شهر قم كه از بلاد مستحدثه شيعيان و مراكز موالى و دوست داران آن خاندان، مى دانست با آنكه در مسير او نبود، برساند.  
و همچنین از قرائن، مستفاد مى شود كه فاطمه (س) قبل از حركت خود از ساوه به طرف قم، رؤساى قم را از مقدم خويش به ساوه، خبردار كرده بود.  
معلوم مى شود موقعى كه بى‌بى بيمار مى‌شود، به جهاتى كه نگارش يافت، خود را از حركت به طرف قم ناچار مى‌ديده، از طرفى هم نمى‌خواسته است كه بدون سابقه دعوت بدان شهر كه از مسير او دور است، وارد شود.  
بنابراين، از ورود خود به ساوه «آل سعد» را آگهى مى دهد تا آنان به طلب وى از قم بيرون آيند.  
برخى درباره سبب روى آوردن حضرت معصومه (س) به قم، گويند: بى‌ترديد مى‌توان گفت كه آن بانوى بزرگ، روحى ملهم و آينده‌نگر داشت و با توجه به آينده قم و محوريتى كه بعدها براى اين سرزمين پيش مى‌آيد -محوريتى كه آرامگاه ايشان مركز آن خواهد بود- بدين ديار، روى آورد.  
اين جريان به خوبى روشن مى كند كه آن بانوى الهى به آينده اسلام و موقعيت اين سرزمين توجه داشته است و خود را با شتاب بدين سرزمين رسانده و محوريت و مركزيت آن را با مدفن خود پايه ريزى كرده است.  
پرواز سوگمندانه حضرت معصومه (س) هفده روز بيشتر پس از ورود به قم، زنده نماند و سپس دعوت حق را لبيك گفت و به سوى بهشت برين پرواز كرد.  
اين حادثه به سال 201 هجرى رخ داد. سلام بر اين «بانو» از سپيده خلقت تا قيام قیامت.

منبع: پایگاه سبطین